

## تحولات سوریه و آینده آن

مهدی شاپوری\*

## اشاره:

تحولات نظامی و دیپلماتیک اخیر در ارتباط با بحران سوریه، روزه‌های امید برای پایان دادن به این بحران ایجاد کرده است. با توجه به نتایج نشست‌های وین ۱ و ۲، به نظر می‌رسد تفاهمی نانوشته میان همه طرفین داخلی و خارجی بحران سوریه (به استثنای گروه‌های تکفیری- تروریستی) صورت گرفته، مبنی بر اینکه باید از وضعیت موجود، به عنوان نقطه اوج و هم‌زمان بن‌بست بحران، گذر کرد و به سمت نوعی مصالحه سیاسی حرکت نمود. خطوط و اصول کلی این مصالحه، در نشست وین یک، مورد توافق قرار گرفت. ترسیم جدول زمان‌بندی دوره انتقالی در نشست وین دو، گذر از تفاهم ذهنی به مرحله اقدام عملی برای حل و فصل این بحران محسوب می‌شود.

## مقدمه

بمب‌گذاری هوایماری روسی و اتفاقات تروریستی لبنان و فرانسه، نشان داد گزینه تداوم وضع موجود، خطر سرریز شدن و تسری پیدا کردن بحران به بیرون از مرزهای سوریه، در قالب و اشکال جدید را افزایش می‌دهد. بدون تردید آنچه در رابطه با هوایماری روسی اتفاق افتاد و آنچه در بیروت و پاریس رخ داد، از اثرات جانبی<sup>۱</sup> بحران سوریه است. این اثرات جانبی، پتانسیل نهفته خطرناکی است که می‌تواند نه تنها مناطق اطراف سوریه، بلکه دورترین نقاط جهان را دچار ناامنی کند. بنابراین گزینه نخست می‌تواند هزینه‌های وافری برای همگان داشته باشد و از این جهت، در پیش گرفتن آن، عقلانی نیست. در چنین شرایطی، گذر از بازی برد- باخت، برای رسیدن به نوعی مصالحه سیاسی اولویت می‌یابد. آنچه در نشست‌های وین ۱ و ۲ اتفاق افتاد، به نظر می‌رسد در همین راستا باشد. در این نوشتار، ضمن اشاره به تحولات میدانی و نظامی جنگ در سوریه و رویکردها و موقعیت طرفین درگیر، به تلاش‌های دیپلماتیک برای حل بحران پرداخته می‌شود و چشم‌اندازی در این مورد ارائه خواهد شد.

## تحولات میدانی

در عرصه میدانی، با ورود نظامی روسیه به بحران سوریه در قالب حمایت هوایی از نیروهای حکومت سوریه و نیز تقویت موضع اسد توسط متحدین خارجی وی، روند تضعیف دولت سوریه در برابر گروه‌های تکفیری- تروریستی و همچنین گروه‌های مخالف، متوقف شد؛ روندی که از ابتدای سال جاری میلادی شروع و در ماه‌های اخیر تشدید شده بود. با حمایت

بعد از چهار سال و نیم جنگ و خون‌ریزی در سوریه و پس از به بن‌بست رسیدن تحولات میدانی، به نظر می‌رسد هم‌اکنون بازیگران درگیر این بحران (به استثنای گروه‌های تکفیری- تروریستی) به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ کدام نمی‌توانند دیگری را حذف کنند. نه در درون سوریه بازیگران میدانی توانسته‌اند بر رقیب خود قایق آیند و نه سیاست‌ها و تاکتیک‌های بازیگران خارجی بحران سوریه، توانسته به این بحران خاتمه دهد. هر زمان یکی از طرفین درگیر در میدان جنگ به طور نسبی موقعیت بهتری نسبت به طرف مقابل خود به دست آورده، بازیگران و حامیان بیرونی با تلاش‌های خود موازنه را از نو برقرار کرده‌اند. نمونه اخیر آن، مداخله نظامی روسیه در قالب حملات هوایی و افزایش حمایت‌ها از حکومت اسد از سوی حامیان خارجی او، در شرایطی است که طی ماه‌های اخیر کفه موازنه به نفع گروه‌های مختلف در حال جنگ با اسد سنگین شده بود.

به هر حال، به نظر می‌رسد وضعیت سوریه به بن‌بست رسیده و دو گزینه پیش روی طرفین این بحران قرار گرفته است: ۱. تداوم وضع موجود و ۲. گذر از خواسته‌های حداکثری برای ایجاد نوعی مصالحه سیاسی. تحولات تروریستی اخیر، به ویژه

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

هوایی روسیه، نیروهای حکومت سوریه و متحدینش در جبهه غربی، به ویژه شمال غرب، توانستند حرکت گروه‌های تروریستی و مخالف اسد به سمت مناطق غربی سوریه، به ویژه مناطق ساحلی این کشور را متوقف کنند. همچنین، عملیات‌هایی برای بازپس‌گیری مناطقی در لاذقیه، حلب، ادلب، حمص و حما صورت گرفته که به نظر می‌رسد کار به سختی پیش می‌رود. در شمال لاذقیه پیشرفت‌هایی به دست آمده و مناطقی آزاد شده‌اند. همچنین، بخش عمده‌ای از تمرکز حملات حکومت سوریه و متحدینش بر شهر حلب بوده که طبق نقشه‌های موجود، پیشرفت‌هایی صورت گرفته و مناطقی از شهر حلب و اطراف آن باز پس گرفته شده‌اند. در مناطق جنوبی نیز در درعا، قنطره و غوطه دمشق، درگیری‌ها جریان داشته و هوایماهای روسی عملیات‌هایی را در این مناطق صورت داده‌اند. در مجموع، طبق آنچه فرماندهان روسی گفته‌اند، طی بیش از ۴۰ روزی که از شروع عملیات هوایی روس‌ها در سوریه می‌گذرد، برای اولین بار در چهار سال گذشته، ارتش سوریه توانسته ۸۰ منطقه مسکونی را آزاد کند و کنترل بیش از ۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک این کشور را از گروه‌های مختلف پس بگیرد. نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا هم کمابیش به عملیات‌های هوایی خود در سوریه ادامه داده، ولی در مجموع آنها نیز تغییر چندان مهمی در وضعیت صحنه درگیری‌ها ایجاد نکرده‌اند. در ضمن، باید به این نکته نیز اشاره کرد که طبق برآوردی که اخیراً نیویورک تایمز ارائه داده، هم حملات نیروهای ائتلاف در سوریه به‌طور کلی کاهش پیدا کرده و هم حملات متحدان آمریکا به شدت تنزل یافته است.

در مجموع، مقایسه نقشه‌های تحولات میدانی یک ماه اخیر، جابه‌جایی برجسته‌ای بر روی زمین را نشان نمی‌دهد و این می‌تواند حاکی از این باشد که جنگ به بن‌بست رسیده است. مقایسه نقشه‌هایی از مؤسسه مطالعات جنگ<sup>۱</sup> در آمریکا که به‌طور دائم مسائل جنگ سوریه و عراق را رصد و تحلیل می‌کند، این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد این بن‌بست در عرصه عملیاتی، باعث تغییر استراتژی برخی بازیگران و تداوم استراتژی برخی دیگر شده است. برای مثال، پس از حملات داعش به پاریس موضع فرانسه و روسیه دچار تغییراتی راهبردی شد و دو کشور اعلام کردند با هدف نابودی داعش بر دامنه حملات خود می‌افزایند. روس‌ها به سمت حملات هوایی گسترده<sup>۲</sup> روی آورده‌اند. در جریان نشست رئیس‌جمهور روسیه با وزیر دفاع و فرماندهان ارشد نظامی این کشور در روز ۱۷ نوامبر که به صورت ویدئو کنفرانس برگزار شد، وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که اولین حمله هوایی گسترده این کشور علیه تأسیسات

داعش در خاک سوریه صورت گرفت. در روز اول اجرای رویکرد «حملات هوایی گسترده»، به گفته وزیر دفاع روسیه، طی ۱۲۷ مأموریت ۲۶۶ موقعیت گروه‌های تروریستی مورد هدف قرار گرفت. علاوه بر بن‌بست در عملیات میدانی، به نظر می‌رسد سه عامل مهم دیگر نیز در محاسبات روس‌ها در روی آوردن به حملات گسترده هوایی نقش داشته است:

۱. مشخص شدن علت حادثه سقوط هواپیمای روسی در صحرای سینا: روس‌ها رسماً اعلام کردند یک بمب دستی در هواپیما کار گذاشته شده بود و پوتین گفت که روسیه انتقام این اقدام را از داعش خواهد گرفت. در ضمن، داعش بار دیگر روسیه را تهدید کرده و در شرایط کنونی به نظر می‌رسد این تهدید، جدی است؛ به خصوص که اخیراً دستگاه‌های اطلاعاتی روسیه طی عملیات‌هایی، افرادی را دستگیر کرده‌اند که گفته می‌شود قصد اقدامات تروریستی در خاک روسیه را داشته‌اند؛

۲. حملات داعش در پاریس: حملات پاریس، غرب را شوکه کرد و دست روسیه را در اقدام نظامی در سوریه بازتر نمود. غربی‌ها قبلاً با بهانه‌های مختلف سعی می‌کردند مشروعیت اقدامات روسیه در سوریه را زیر سؤال ببرند. با حملات پاریس، این فرصت برای روسیه فراهم شده تا با شدیدترین شکل ممکن به بمباران داعش و دیگر گروه‌های تروریستی و حتی مخالف اسد پردازد. روس‌ها می‌دانند که خیلی زود باید از این فرصت بهره‌برداری کنند؛

۳. تحولات دیپلماتیک در مورد بحران سوریه: به نظر می‌رسد نشست‌های وین ۱ و ۲ شرایط را برای پایان دادن به بحران سوریه از طریق سیاسی فراهم کرده است. مطمئناً بازیگرانی که در تحولات میدانی دست بالا را دارند، در مذاکرات آتی بهتر می‌توانند منافع خود را پی‌گیری کنند و روس‌ها هم به‌عنوان

1. Institute for the Study of War  
2. Massive Airstrike

یکی از طرفین اصلی ذینفع در این مذاکرات، این مسئله را به خوبی می‌فهمند.

در مجموع، به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت، توقف حرکت نیروهای تکفیری- تروریستی و مخالف به سمت غرب و سواحل غربی سوریه و تلاش برای حفظ و بازپس‌گیری برخی نقاط مهم و استراتژیک در مناطق حمص، حلب، حما، ادلب و لاذقیه همچنان در مرکز رویکرد سوریه و حامیانش قرار دارد. عملیات‌های زمینی در سایه حملات هوایی روس‌ها، مهم‌ترین تاکتیک جنگی است که در این راستا از آن بهره گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد دیگر بازیگران درونی سوریه نیز با توجه به تحولات اخیر و به ویژه اقدامات روسیه و تقویت نسبی موضع اسد به وسیله متحدینش، فعلاً استراتژی خود را از تهاجم به دفاع تغییر داده‌اند. در واقع آنها تلاش می‌کنند موقعیت کنونی خود را حفظ کنند تا در آینده اگر قرار شد تصمیمی سیاسی درباره سوریه اتخاذ و به اجرا گذاشته شود، بتوانند تأثیرگذار باشند. اگر هم این‌گونه نشد، با گذر زمان و فرسایشی شدن مرحله کنونی عملیات‌های سوریه و متحدینش، بتوانند دوباره به فاز تهاجمی برگردند. آمریکایی‌ها هم به نظر می‌رسد تغییراتی در رویکرد خود ایجاد کرده‌اند. آنها که مدت زیادی است از ایجاد تحولی اساسی در وضعیت میدانی سوریه توسط گروه‌های مخالف اسد، مثل ارتش آزاد، ناامید شده‌اند، هم در حوزه نظامی و هم در مذاکرات سیاسی، مواضع سابق خود را تا اندازه زیادی تغییر داده‌اند.

در حوزه نظامی، آمریکایی‌ها اخیراً ۵ محور برای فعالیت‌های خود در جنگ با داعش اعلام کرده‌اند. این پنج محور عبارتند از تقویت روند آموزش نیروهای عراقی، افزودن نیروهای محلی جدید سوری به لیست دریافت‌کنندگان حمایت‌ها و تجهیزات آمریکا و اعزام چند نیروی

ویژه (کمتر از ۵۰ نفر) برای تعلیم دادن این نیروها، ایمن‌سازی مرزهای سوریه با ترکیه به منظور کاهش جریان جنگجویان خارجی، مصاد و پول برای داعش و استقرار چند جنگنده A-10 و F-15 در پایگاه هوایی اینجریلیک ترکیه برای این منظور، ضربه‌زدن به خطوط ارتباطی داعش بین رقه و موصل و در نهایت، تقویت توان دفاعی اردن و لبنان برای مقابله با داعش، در شرایطی که این گروه به سمت جنوب و غرب رانده می‌شود. با توجه به اتفاقات لبنان و پاریس و نیز بحث هواپیمای مسافربری روسیه، به نظر می‌رسد اقدامات آمریکا و متحدانش علیه داعش تشدید شود، ضمن اینکه فرانسه نیز در اقدامی تلافی‌جویانه و نمادین، با چندین جنگنده مواضع داعش را پس از اتفاقات پاریس، بمباران کرد. در همین چارچوب فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه که حملات پاریس را «اقدام جنگی» علیه کشورش خوانده، اعلام کرده است: «همه ما، آنهایی که حقیقتاً می‌خواهند در قالب ائتلافی بزرگ و ویژه علیه ارتشی از تروریست‌ها بجنگند، باید متحد شوند. این همان چیزی است که ما به دنبال آن هستیم. من با این هدف با رئیس‌جمهور اوباما و رئیس‌جمهور پوتین در روزهای پیش رو برای متحدشدن نیروهایمان و دستیابی به نتیجه‌ای که تا به امروز و به مدت طولانی به تعویق افتاده است، دیدار خواهم کرد». این دیدارها در نشست جی ۲۰ در ترکیه صورت گرفت و بعد از آن بود که پوتین در نشست با وزیر دفاع و فرماندهان ارشد نظامی روسیه در ۱۷ نوامبر، به آنها دستور داد با ناو شارل دوگل که به منظور جنگ با داعش در دریای مدیترانه مستقر شده، مانند متحد رفتار کنند. به هر حال، به نظر می‌رسد اتفاقات اخیر، غربی‌ها را از پتانسیل‌های پنهان داعش و گروه‌های تروریستی آگاه نموده و به آنها نشان داده که ناامنی‌های تروریستی مرز نمی‌شناسد و به یک منطقه یا کشور خاص محدود نمی‌ماند. این باعث افزایش اقدامات نظامی غرب و البته در کنار آن، تلاش‌های سیاسی برای مقابله با گروه‌های تکفیری- تروریستی خواهد شد.

### تحركات سیاسی و دیپلماتیک

بن‌بست نسبی در حوزه عملیات نظامی و تحولات میدانی، باعث افزایش تلاش‌های دیپلماتیک برای ایجاد نوعی مصالحه جهت کاهش تنش‌ها در سوریه شده است. در اوایل آبان، نشست چهارجانبه‌ای میان وزرای خارجه آمریکا، روسیه، عربستان سعودی و ترکیه صورت گرفت. در این نشست، در مورد ایجاد ساختاری برای حمایت از روند سیاسی در سوریه، ضمن حفظ دولت این کشور و حاکمیت آن، توافق شد. یک هفته بعد، نشست دیگری با حضور ۱۷ کشور و نمایندگان دو نهاد بین‌المللی (اتحادیه اروپا و سازمان ملل) در وین صورت گرفت که در آن جمهوری اسلامی ایران نیز -برای اولین بار در طول مذاکراتی که در مورد سوریه برگزار



شده - حضور داشت و طرفین در موارد مهمی به تفاهم رسیدند. این موارد عبارتند از حفظ یکپارچگی سرزمینی سوریه و ماهیت سکولار دولت این کشور، حفظ نهادهای دولتی از جمله ارتش و نیروهای امنیتی، حفاظت از حقوق شهروندان سوریه (اقلیت‌های سوریه)، تسریع دیپلماسی برای پایان دادن به جنگ، تضمین دسترسی کمک‌های بشردوستانه به مردم سوریه، شکست دادن داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، تشکیل دولتی غیر فرقه‌ای، فراگیر و معتبر و متعاقب آن، تدوین قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات در سوریه تحت نظارت سازمان ملل، تضمین یک فرآیند سیاسی سوریه محور (خود مردم سوریه درباره آینده خودشان تصمیم بگیرند) و در نهایت، اجرای آتش‌بس سراسری.

در این دور از مذاکرات، همان‌گونه که عنوان شد، ایران نیز برای اولین بار دعوت شد و وزیر امور خارجه در این نشست حضور یافت. سرنوشت اسد بزرگترین موضوعی بود که در این نشست در مورد آن توافق صورت نگرفت. جمهوری اسلامی ایران با حضور خود توانست مانع از تصمیم‌گیری دیگران در مورد سرنوشت سوریه شود. در واقع با استدلال‌ها و پافشاری‌های وزیر امور خارجه ایران بود که بحث تعیین سرنوشت سوریه به مردم این کشور و نه بازیگران خارجی، واگذار شد. تنش‌های لفظی میان وزیر امور خارجه ایران و عربستان یکی از مهم‌ترین نکات این نشست بود که عمدتاً در مورد رفتار منطقه‌ای کشورهای متبوع آنها و نیز دلیل آشفستگی‌های کنونی سوریه و کل منطقه بود. در واقع، طرفین همدیگر را به ایجاد بی‌ثباتی در منطقه متهم کردند، ولی به هر حال در نهایت، کار خوب پیش رفت و آنچه مد نظر جمهوری اسلامی ایران بود، در بیانیه پایانی آورده شد. دو هفته بعد، نشست دومی در وین با حضور ۲۰ بازیگر (شامل ۱۷ کشور و سه نهاد تحت عنوان «گروه بین‌المللی حمایت از سوریه») انجام گرفت.

در این نشست که بعد از اتفاقات بیروت و پاریس و نیز مشخص شدن دلیل سقوط هواپیمای روسی در صحرای سینا برگزار شد، طرفین از مرحله تفاهم ذهنی گذر کردند و بر سر چند گام عملی اساسی برای آینده سوریه به توافق رسیدند. حمایت و تلاش برای اجرای یک آتش‌بس فراگیر در سوریه (البته این آتش‌بس مشمول اقدامات تهاجمی و یا دفاعی در برابر داعش یا جبهه النصره و یا هر گروه دیگری که «گروه بین‌المللی حمایت از سوریه» بر سر تروریست بودن آنها توافق کنند، نمی‌شود)، لزوم تشکیل جلسه نمایندگان دولت و مخالفان سوریه برای انجام مذاکرات رسمی تحت نظارت سازمان ملل تا اول ژانویه ۲۰۱۶، تشکیل دولتی غیر فرقه‌ای زیر نظر سوریه‌ها در مدت شش ماه و نیز تعیین جدول زمان‌بندی و روندی برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه بر اساس قانون اساسی جدید و زیر نظر سازمان ملل و مطابق با

بالاترین استانداردهای بین‌المللی شفافیت و پاسخگویی، با حضور همه مردم سوریه از جمله کسانی که در خارج از سوریه هستند تا ۱۸ ماه آینده و در نهایت، تأکید مجدد بر لزوم شکست دادن داعش، النصره و دیگر گروه‌های تروریستی. همچنین برای تعیین اینکه چه گروهی غیر از داعش و جبهه النصره تروریستی است، طرفین توافق کردند که پادشاهی اردن به منظور دستیابی به درک مشترک از گروه‌ها و افراد به منظور تعیین احتمالی آنها به عنوان تروریست تا آغاز روند سیاسی تحت نظارت سازمان ملل، به نمایندگان جامعه نظامی و اطلاعاتی کمک کند. در این نشست نیز دو موضوع لاینحل ماند؛ یکی، سرنوشت بشار اسد و دیگری، تعیین اینکه کدام گروه تروریست است و کدام نیست. در مورد سرنوشت اسد، ایران و روسیه بر این مسئله تأکید دارند که سرنوشت وی را مردم سوریه باید تعیین کنند. در مقابل، برخی، به ویژه عربستان سعودی، تأکید دارند که اسد باید برود. وزیر خارجه عربستان سعودی در حاشیه نشست وین ۲ در همین مورد عنوان کرد: «ما به حمایت از روند سیاسی ادامه خواهیم داد که به برکناری بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه، بینجامد یا اینکه به حمایت از مخالفان سوریه برای برکناری وی با زور ادامه می‌دهیم». آمریکایی‌ها نیز هر چند می‌گویند که با ماندن اسد، بحران سوریه حل و فصل نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد در این زمینه مانند سابق بر رفتن اسد تأکید نمی‌کنند. برای مثال، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در کنفرانس خبری پایان نشست وین ۲ گفت: «روشن است که ما همچنان درباره اینکه چه اتفاقی برای بشار اسد می‌افتد اختلاف نظر داریم، اما ما روی خود روند سیاسی اتکا کرده‌ایم که [باید] تحت ریاست سوریه‌ها باشد و این‌گونه هم خواهد بود و سوریه‌ها با سوریه‌ها مذاکره کنند. این کار می‌تواند کمک کند که این فصل

وحشتناک خاتمه یابد».

در مورد تعیین اینکه کدام گروه تروریست است و کدام نیست، نیز مسئله جدی وجود دارد. هر چند پذیرفته شده که اردن، به عنوان میانجی، در این زمینه برای رسیدن به درک مشترک میان طرفین کمک کند، ولی به هر حال نمی توان انکار کرد که گروه های مختلف در حال جنگ با حکومت سوریه، متنوع هستند و هر کدام معمولاً از سوی یک یا چند کشور خارجی حمایت می شود و این باعث تضاد و تعارض دیدگاه ها و در نتیجه، ایجاد مشکل در مسیر تعیین لیست گروه های تروریستی می شود.

### چشم انداز تحولات بحران سوریه

بعد از شروع حملات هوایی روسیه در سوریه، بحران سوریه اوج گرفت و هم زمان نیز به بن بست رسید. طرفین درگیری، به جز گروه های تکفیری و تروریستی، به این نتیجه رسیده اند که امکان غلبه بر رقیب وجود ندارد و هر حرکتی برای غلبه و برتری، با حرکتی موازنه دهنده از طرف مقابل، مواجه خواهد شد. در چنین شرایطی، یا باید بحران به همین شکل ادامه پیدا کند و یا اینکه مصالحه ای سیاسی میان همه طرفین درگیری ها ایجاد شود. تداوم وضع موجود، اثرات جانبی خطرناکی برای کل جهان در بر خواهد داشت؛ مانند آنچه در مورد هواپیمای مسافربری روسیه در صحرای سینا اتفاق افتاد و یا حوادثی مانند بمب گذاری ها و اقدامات تروریستی بیروت و پاریس و حتی اتفاقی که روز ۹ نوامبر در کمپ آموزشی نزدیک امان، پایتخت اردن، رخ داد و باعث کشته شدن ۲ نیروی آموزش دهنده آمریکایی، یک نفر از آفریقای جنوبی و دو اردنی و نیز زخمی شدن شش نفر دیگر توسط یک افسر اردنی شد (برخی از منابع این اقدام را به داعش نسبت داده اند). در کنفرانس خبری بعد از پایان نشست وین ۲، جان کری بر تهدید داعش این گونه تأکید کرد: «داعش برای

همه در منطقه و خارج از آن تهدید است».

به هر حال، تحولات دیپلماتیک و نشست های وین ۱ و ۲ و تفاهات و توافقاتی که در این نشست ها حاصل شد، نشانه هایی از روی آوردن به گزینه دوم را تقویت کرده است. با وجود این، هنوز مسیر دشواری برای حرکت به جلو وجود دارد. در میان بازیگران بیرونی هنوز درباره یک مسئله بزرگ، یعنی سرنوشت اسد، اختلاف نظر وجود دارد. همچنین، بر سر تعیین جدول گروه های تروریستی، مسیر بسیار دشواری پیش روی طرفین قرار دارد. جز در مورد داعش و جبهه النصره، در مورد ماهیت هیچ کدام از گروه های دیگر توافقی وجود ندارد. شاید در مورد ارتش آزاد هم طرفین بتوانند تصمیم بگیرند (رئیس جمهور روسیه در مصاحبه ۱۳ نوامبر با اینترفاکس گفته که ارتش آزاد در مواردی با نیروهای روسی همکاری کرده اند)، ولی در مورد گروه هایی مانند احرار الشام، تصمیم گیری دشوار خواهد بود. اینها همه مربوط به بازیگران خارجی است. در درون سوریه و در میان گروه های درگیر جنگ و در واقع، در جایی که تحولات واقعی در جریان است، موضوع بسیار پیچیده تر است. هم اکنون حداقل پنج جبهه جنگی در خاک سوریه وجود دارد: جنگ بین حکومت اسد و داعش، میان حکومت اسد و دیگر گروه های تروریستی و مخالف، بین داعش و کردها، میان داعش و دیگر گروه های تروریستی و مخالف اسد و در نهایت بین کردها و دولت ترکیه.

این پیچیدگی ها در عرصه عملی، پیشرفت کار را بسیار دشوار می کنند و این سؤال را ایجاد خواهد کرد که اگر صرفاً داعش و جبهه النصره تروریست خوانده شوند و از دیگر گروه ها خواسته شود که کنار هم بیایند و با حکومت سوریه مذاکره کنند و فرآیند سیاسی را پیش ببرند، آیا آنها این کار را خواهند کرد؟ اگر بعید نباشد، حداقل بسیار دشوار است. سمیر نشار، یکی از اعضای گروه «ائتلاف ملی» که از مخالفان توافقات وین است، به خبرگزاری فرانسه گفته است: «چطور انتظار دارید که بعد از همه اتفاقاتی که در سوریه افتاده، مردم در خیابان روی همدیگر را ببوسند؟». این یک مسئله بزرگ است. آیا بعد از این همه درگیری و کشت و کشتار، طرفین حاضر می شوند همدیگر را بپذیرند و با هم کار کنند؟ اگر چنین چیزی امکان دارد، پس این همه درگیری و ویرانی برای چه بوده است؟ البته نمی توان انکار کرد که طرفین تا حدود زیادی خسته شده اند و همین می تواند آنها را از آرمان گرایی به سوی عمل گرایی سوق دهد. عامل دیگر هم می تواند در این مسیر نقش تسهیل کننده داشته باشد و آن، توافق کشورهای حاضر در نشست وین ۲ برای تلاش جهت متقاعد نمودن گروه های مورد حمایت شان به پذیرش آتش بس است. البته این زمانی کارساز خواهد بود که لیست گروه های تروریستی کاملاً مشخص



شود و همه بر سر آن اجماع داشته باشند. در ضمن یک مشکل بزرگ دیگر نیز وجود دارد و آن، واقعیت گروه‌های تکفیری- تروریستی است که هم‌اکنون قدرت زیادی دارند و عملاً بخش‌های گسترده‌ای از خاک عراق و سوریه توسط آنها کنترل می‌شود. در مجموع، به نظر می‌رسد راهی جز مصالحه سیاسی وجود ندارد و همین خود می‌تواند راه‌گشا باشد. در واقع طرفین چاره‌ای ندارند جز اینکه از تفکر برد-باخت کوتاه‌بایند و به راه حلی سیاسی تن بدهند.

### نتیجه‌گیری

در نشست رئیس جمهوری روسیه با وزیر دفاع و فرماندهان ارشد این کشور در روز ۱۷ نوامبر، ژنرال والرئ گراسیموف، فرمانده ستاد مشترک ارتش روسیه گفت که در ۴۸ روز گذشته که عملیات هوایی روسیه در سوریه جریان داشته، نیروی هوایی روسیه ۲۲۸۹ سورتی پرواز انجام داده و ۴۱۱۱ حمله موشکی به تأسیسات اصلی زیرساختی، انبارهای مهمات و مکان‌های نیروهای تروریستی صورت گرفته است. روز ۲۸ اکتبر، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد از زمان شروع عملیات علیه داعش تا کنون نیروی هوایی ائتلاف ۷۱۲ حمله هوایی انجام داده که ۵۰۳۲ مورد در عراق و ۲۶۸۰ مورد در خاک سوریه صورت گرفته است. نتیجه این حملات چه بوده است؟ روس‌ها اعلام کرده‌اند که با حمایت‌های هوایی آنها طی ۴۸ روز گذشته، ۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک سوریه توسط ارتش این کشور پس گرفته شده است. با حمایت‌های هوایی آمریکا، عراقی‌ها برخی از مناطقی که در جنگ با داعش از دست داده بودند را پس گرفتند. همچنین حمایت‌های هوایی آمریکایی‌ها در شمال سوریه تا حدودی به کردها در جنگ با داعش کمک کرده است. همه اینها هرچند به توقف پیشرفت داعش و گروه‌های دیگر مثل جبهه النصره کمک کرده است، ولی کار برجسته‌ای محسوب نمی‌شود. این یعنی اینکه این روند نمی‌تواند به نابودی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی ختم شود و در ضمن، باعث غلبه یکی از نیروها بر دیگری و پایان درگیری‌ها و تنش‌ها شود. نه تنها چنین اتفاقی نیفتاده، بلکه تداوم وضع موجود تنها باعث سرریز بحران و پدیدار شدن پتانسیل‌های نهفته داعش در منطقه و سراسر جهان می‌شود. بمب‌گذاری هواپیمای مسافربری روسی و حملات بیروت و پاریس این موضوع را به خوبی عیان ساخت. در واقع، همه اینها به معنای آن است که مسئله سوریه و عراق تنها با راه کار نظامی حل نخواهد شد و علاوه بر مبارزه با داعش و تکفیری‌ها از طریق نوعی مصالحه سیاسی میان گروه‌ها و نیروهای رقیب در این کشورها، می‌توان بر مسائل و مشکلات آنها فائق آمد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان متحد اصلی حکومت سوریه در منطقه و یکی از بازیگران

درگیر بحران سوریه، از همان ابتدا بر این باور بوده که این بحران تنها از طریق سیاسی و نه نظامی، قابل حل و فصل است و در این راستا نیز تلاش کرده است. حملات داعش در پاریس، نشان داد که تأکید ایران بر خطرات فرامرزی تروریسم تکفیری بی‌جهت نبوده و دغدغه ایران در طرح موضوع «مبارزه با خشونت و افراطی‌گری» که دو سال قبل از سوی آقای روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح و قطعنامه‌ای نیز در این مورد در سازمان ملل تصویب شد، نمادین نبوده و واقعیتی است که همگان باید به آن بپردازند.

در شرایط کنونی و با توجه به وضعیت کلی نظام بین‌الملل و شرایط منطقه‌ای و همچنین جایگاه ایران در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه، فرصت بسیار مناسبی برای ارائه ابتکاراتی از سوی کشورمان جهت برون‌رفت منطقه از شرایط کنونی فراهم شده است. هم‌اکنون صدای کسانی که وهابیت سعودی و نوعثمانی‌گری دولت ترکیه و اقدامات و رفتارهای کشورهای مانند قطر و امارات را عامل بی‌ثباتی منطقه می‌دانند، در غرب بلندتر از گذشته است. در چنین شرایطی، تحرکات دیپلماتیک و ارائه طرح‌های ابتکاری واقعی و جدی برای مقابله با تروریسم تکفیری از سوی تهران، می‌تواند موقعیت ایران را در منطقه و جهان ارتقاء دهد. در همین راستا، به نظر می‌رسد بهتر است در صورت فراهم شدن فرصت، جمهوری اسلامی ایران خود را محدود به همکاری با روسیه، سوریه و عراق در برخورد با گروه‌های تکفیری- تروریستی نکند و یک سیاست چندبُعدی را در این زمینه دنبال نماید. هم‌اکنون و بعد از حوادث پاریس و موج وحشتی که در غرب در مورد تهدید داعش و تروریسم شکل گرفته است، به نظر می‌رسد چنین فرصتی فراهم شده است.

